

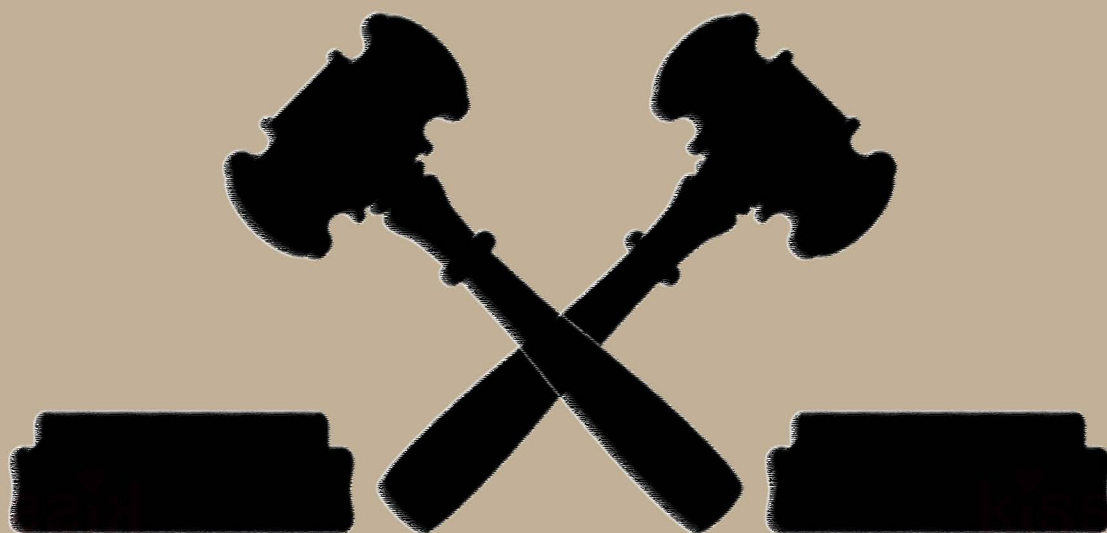
ما از عدالت سهمی داریم سازمان حقوق بشر ایران

سال ششم شماره ۱۷۴

۹ تیر ۱۴۰۱ / ۳۰ ژوئن ۲۰۲۲



مجازات‌های تکمیلی



در این شماره می‌خوانید:

مجازات تکمیلی؛ ضرورت یا مصلحت؟

مجازات‌های تکمیلی صادر شده برای متهمان سیاسی مبنای حقوقی ندارد

انتقام‌گیری شخصی به جای مجازات، از سوی برخی از قضات

اشکالات حقوقی در اعمال مجازات تکمیلی

مجازات تبعید؛ مکانیسمی برای سرکوب مضاعف

ما از عدالت سهمی داریم

دو هفته نامه الکترونیکی تخصصی حقوق بشر

صاحب امتیاز و مدیر مسئول: سازمان حقوق بشر ایران / محمود امیری مقدم

سرمدبیر این شماره: مریم غفوری

تحریریه: نقی محمودی، جواد عباسی توللی، آفاق ربیعی‌زاده، علی‌اصغر فریدی و عسل همتی.

صفحه بندی: ماهور خوش قدم

تماس با مجله: mail@iranhr.net

حقوق ما در ویرایش مطالب آزاد است!

یادداشت‌هایی که از روزنامه نگاران و اشخاص دریافت می‌شود نظر شخصی آنان است و دیدگاه مجله حقوق ما نیست.



نقی محمودی

مقدمه:

مجازات‌های تکمیلی یا تتمیمی، همان‌گونه که از نامشان پیداست، مکمل مجازات‌های اصلی هستند. در هر پرونده‌ی کیفری، با توجه به ماهیت جرم، سابقه‌ی متهم، اصلاح مجرم و ممانعت از تکرار جرم در آینده، قاضی اختیار دارد تا علاوه بر مجازات اصلی پیش‌بینی شده در قانون و در صورت عدم کفایت آن در تادیب متهم، حکم به مجازات تکمیلی بدهد.

با وجود این که قانون، اختیار صدور حکم به مجازات تکمیلی را به قاضی تفویض کرده است، این امر نباید موجب سوء استفاده و رواج احکام سلیقه‌ای، خاصه در اتهامات سیاسی باشد. در مواردی مشاهده شده است که قضات دادگاه‌های انقلاب، برای ارباب و زهر چشم گرفتن از متهم سیاسی، مبادرت به صدور مجازات تکمیلی می‌کنند.

مجازات‌های تکمیلی صادره، عمدتاً فعالیت اجتماعی و سیاسی متهم سیاسی را هدف گرفته و گاه با اجبار به اقامت در محلی به دور از اقامتگاه شخص، موجبات آزار و اذیت روحی و عاطفی ناشی از دوری از خانواده را برای متهم سیاسی رقم می‌زنند. مجازات تکمیلی "منع از عضویت در احزاب، گروه‌ها و دستجات سیاسی یا اجتماعی" و "منع از اشتغال به شغل، حرفه و کار معین" از شایع‌ترین انواع مجازات‌های تکمیلی صادر شده در مورد متهمان سیاسی است.

برای جلوگیری از چنین سوء استفاده‌هایی از اختیارات قانونی،

بایستی ضرورت و دلایل اعمال مجازات تکمیلی، در متن حکم، توسط قاضی تصریح شود.

تاریخچه‌ی تطور مجازات‌های تکمیلی در قوانین کیفری ایران

الف- قوانین کیفری قبل از بهمن ۵۷

۱- قانون مجازات عمومی سال ۱۳۰۴

قانونگذار سال ۱۳۰۴ به جای استعمال لفظ "مجازات تکمیلی یا تتمیمی" از لفظ "مجازات تبعی" در این خصوص استفاده کرده است. در حالی که مجازات تبعی، ماهیتی متفاوت از مجازات تکمیلی یا تتمیمی دارد. مجازات تکمیلی، مجازاتی است که به عنوان مجازات اصلی صادر نشده اما به عنوان یکی از ابزارهای تعیین مجازات در اختیار قاضی قرار داده شده تا در صورت نیاز برای تکمیل مجازات اصلی برای متهم اعمال کند. در صورتی که مجازات تبعی، مجازات‌ها و محرومیت‌های اجتماعی‌ای است که به طور مشخص در قانون تعیین شده و به تبع صدور حکم به مجازات اصلی و به نسبت مجازات اصلی برای مدت مشخصی شامل حال محکوم می‌شود.

در جزاهای تبعی

ماده ۱۹- جزاهای تبعی از قرار ذیل است:

۱- محرومیت از حقوق مذکوره در ماده ۱۵ محاکم جنحه می‌توانند مجرم را علاوه بر مجازات اصلی که به موجب این قانون مقرر است به محرومیت از بعضی از حقوق مذکوره نیز محکوم نمایند.

۲- ممنوعیت از اقامت در محل مخصوص.

۳- اقامت اجباری در محل مخصوص.

محکومیت جنایی مستلزم محرومیت از تمام حقوق اجتماعی است.

قانون اصلاح ماده ۱۹ قانون مجازات عمومی مصوب ۲۳ اسفند ماه ۱۳۱۲ (کمسیون قوانین عدلیه)

ماده واحده - ماده ۱۹ قانون مجازات عمومی نسخ و ماده ذیل به جای آن تصویب می‌شود:

ماده ۱۹ - جزاهای تبعی به قرار ذیل است:

۱ - محرومیت از حقوق اجتماعی.

۲ - ممنوعیت از اقامت در محل مخصوص.

۳ - اقامت اجباری در محل مخصوص.

کسی که به موجب حکم قطعی محکوم به مجازات جنایی گردد از کلیه حقوق اجتماعی محروم می‌شود اگر چه مجازات مزبور در اثر تکرار جرم معین شده باشد جز در مواردی که قانون صراحتاً ترتیب دیگری مقرر داشته است:

هر کس که به موجب حکم قطعی و به علت ارتکاب یکی از جنحه‌های مذکور ذیل به بیش از یک ماه حبس تادیبی محکوم شود در مدت پنج سال از حق استخدام رسمی دولتی و مملکتی محروم می‌شود. هر گاه مدت حبس تادیبی تا یک ماه باشد مدت محرومیت از حق استخدام رسمی مملکتی و دولتی دو سال خواهد بود.

۲- قانون مجازات عمومی سال ۱۳۵۲

این قانون، در فصل سوم خود، به صورت یکجا به مجازات‌ها و اقدامات تأمینی، تبعی و تکمیلی پرداخته بود. اقدامات تأمینی و تربیتی، از ابداعات قانون مجازات عمومی سال ۱۳۵۲ است. هر چند که قانون خاصی در سال ۱۳۳۹، قانونی تحت عنوان "اقدامات تأمینی" در مورد مجرمین خطرناک، تصویب شده بود. این قانون، همان قانونی است که در ارتباط با بستن فله‌ای مطبوعات در دهه‌ی ۷۰، مورد استناد و استفاده‌ی قضات دادگاه انقلاب قرار گرفت. البته قید دیگری نیز در همین قانون مورد استفاده قرار گرفته و مبنای وجه تمایز این دو نوع مجازات قرار گرفته است. بدین توضیح که مجازات‌ها و اقدامات تأمینی و تربیتی در صورتی که در حکم دادگاه قید شود تکمیلی است و در مواردی که قانوناً و بدون قید در حکم دادگاه باشد تبعی است. ماده ۱۵ - مجازات‌ها و اقدامات تأمینی و تربیتی تبعی و تکمیلی به قرار زیر است:

۱- محرومیت از تمام یا بعضی از حقوق اجتماعی.

۲- اقامت اجباری در محل معین.

۳- ممنوعیت از اقامت در محل معین.

۴- محرومیت از اشتغال شغل یا کسب یا حرفه یا کار معین و یا الزام به انجام امر معین.

۵- بستن مؤسسه.

۶- محرومیت از حق ولایت یا حضانت یا وصایت یا نظارت.

این مجازات‌ها و اقدامات تأمینی و تربیتی در صورتی که در حکم دادگاه قید شود تکمیلی است و در مواردی که قانوناً و بدون قید در حکم دادگاه باشد تبعی است.

تبصره ۱ - مجازات‌ها و اقدامات مذکور ممکن است به موجب قانون مستقلاً نیز مورد حکم واقع شود در این صورت جرم از درجه جنحه محسوب است.

تبصره ۲ - محرومیت از حقوق اجتماعی دارای عواقب زیر است:

۱- محرومیت از حق انتخاب کردن یا انتخاب شدن در مجالس مقننه.

۲- محرومیت از حق عضویت در کلیه انجمن‌ها و شوراهای جمعیت‌هایی که اعضاء آن به موجب قانون باید با رأی مردم انتخاب شوند.

۳- محرومیت از عضویت در هیأت منصفه و هیأت امناء.

۴- محرومیت از اشتغال به مشاغل آموزشی و روزنامه‌نگاری.

۵- محرومیت از استخدام در سازمانهای دولتی و شرکتها و مؤسسات وابسته به دولت و شهرداری‌ها و مؤسسات مأمور به خدمات عمومی و ادارات مجلسین و سازمانهای دیگر مملکتی.

۶- محرومیت از وکالت دادگستری و کارگشایی و تصدی دفاتر اسناد رسمی و ازدواج و طلاق و دفترپاری.

۷- محرومیت از انتخاب شدن به سمت داور و کارشناسی در مراجع رسمی.

۸- محرومیت از انتخاب شدن به سمت قیم یا امین یا ناظر یا متولی و متصدی موقوفات عام.

۹- محرومیت از استعمال نشان و مدالهای دولتی و استفاده از امتیازات دولتی و عناوین افتخاری.

ب- قوانین کیفری بعد از بهمن ۵۷:

در اینجا قصد دارم برای ممانعت از اطاله‌ی مطلب، صرفاً به بررسی دو قانون اخیر مجازات اسلامی، یعنی قانون مجازات اسلامی سال ۱۳۵۷ و قانون حاکم سال ۱۳۹۲ بپردازم.

۱- قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۷۵:

ماده ۱۹ قانون اخیرالذکر به تعریف و تعیین حدود و ثغور مجازات‌های تتمیمی اختصاص یافته بود: دادگاه می‌تواند کسی را که به علت ارتکاب جرم عمدی به تعزیر یا مجازات بازدارنده محکوم کرده است به عنوان تتمیم حکم تعزیری یا بازدارنده مدتی از حقوق اجتماعی محروم و نیز از اقامت در نقطه یا نقاط معین ممنوع یا به اقامت در محل معین مجبور نماید.

در قانون مجازات اسلامی مصوب سال ۱۳۷۵، صدور حکم تتمیمی یا تکمیلی، صرفاً در ارتباط با جرائم عمدی تعزیری یا بازدارنده محدود بود در حالی که در قانون مجازات اسلامی سال ۱۳۹۲، جرائم از نوع حدود و قصاص را نیز به دایره ی شمول مجازات تکمیلی، اضافه کرده است. چنین تسری گسترده‌ی مجازات تکمیلی، حقوق متهمان را نقض می‌کند. همچنین در قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲، صرفاً مشمول جرائم عمدی نشده است. همچنین به نظر می‌رسد، مصادیق مذکور در ماده‌ی فوق الذکر، جنبه‌ی حصری و نه تمثیلی دارد. با این وصف، قاضی نمی‌تواند بنا به خواست و سلیقه‌ی شخصی خود، مصادیق دیگری را علاوه نماید. مقصود از اقامت در نقطه یا نقاط معین، متفاوت از تبعید است. تبعید خود به عنوان یک مجازات اصلی مورد حکم قرار می‌گیرد.

مقررات تبدیل مجازات تکمیلی به جزای نقدی یا حبس، در ماده‌ی ۲۰ همین قانون، پیش‌بینی شده است: محرومیت از بعضی یا همه‌ی حقوق اجتماعی و اقامت اجباری در نقطه‌ی معین یا ممنوعیت از اقامت در محل معین، باید متناسب با جرم و خصوصیات مجرم در مدت معین باشد. در صورتی که محکوم به تبعید یا اقامت اجباری در نقطه‌ای یا ممنوعیت از اقامت در نقطه‌ی معین در اثنای اجرای حکم، محل را ترک کند و یا به نقطه‌ی ممنوعه بازگردد، دادگاه می‌تواند با پیشنهاد دادسرای مجری حکم، مجازات مذکور را تبدیل به جزای نقدی و یا زندان نماید. اقامت اجباری، حسب رای وحدت رویه‌ی شماره ۸۶۴۰، قابل تخفیف نیست.

۲- انواع مجازات در قانون مجازات اسلامی سال ۱۳۹۲:

قبل از پرداخت به مبحث مانحن فیه، ضرورت دارد که ابتدا، تعریف و مشخصات مجازات اصلی تشریح و سپس، به تعریف و مشخصات مجازات‌های تکمیلی پرداخته شود.

الف - مجازات‌های اصلی

مجازات اصلی، مجازاتی است که به طور خاص و مشخص در قانون برای هر جرم تعیین شده است.

طبق ماده ۱۴ قانون مذکور، مجازات‌های مقرر در این قانون چهار قسم است:

- الف- حد
- ب- قصاص
- پ- دیه
- ت- تعزیر

تبصره- چنانچه رابطه علیت بین رفتار شخص حقوقی و خسارت وارد شده احراز شود دیه و خسارت، قابل مطالبه خواهد بود. اعمال مجازات تعزیری بر اشخاص حقوقی مطابق ماده (۲۰) خواهد بود.

ماده -۱۵ حد مجازاتی است که موجب، نوع، میزان و کیفیت اجرای آن در شرع مقدس، تعیین شده است.

ماده -۱۶ قصاص مجازات اصلی جنایات عمدی بر نفس، اعضاء

ب- شیوه ارتکاب جرم، گستره نقض وظیفه و نتایج زیانبار آن

پ- اقدامات مرتکب پس از ارتکاب جرم

ت- سوابق و وضعیت فردی، خانوادگی و اجتماعی مرتکب و تاثیر تعزیر بر وی

ب- مجازات‌های تکمیلی و تبعی در فصل دوم قانون مجازات اسلامی، مجازات‌های تکمیلی و تبعی شرح شده‌اند.

طبق ماده‌ی ۲۳ قانون اخیرالذکر: دادگاه می‌تواند فردی را که به حد، قصاص یا مجازات تعزیری از درجه شش تا درجه یک محکوم کرده است با رعایت شرایط مقرر در این قانون، متناسب با جرم ارتكابی و خصوصیات وی به یک یا چند مجازات از مجازات‌های تکمیلی زیر محکوم نماید.

الف- اقامت اجباری در محل معین

ب- منع از اقامت در محل یا محل‌های معین

پ- منع از اشتغال به شغل، حرفه یا کار معین

ت- انفصال از خدمات دولتی و عمومی

ث- منع از رانندگی با وسایل نقلیه موتوری و یا تصدی وسایل موتوری

ج- منع از داشتن دسته چک و یا اصدار اسناد تجارت

چ- منع از حمل سلاح

ح- منع از خروج اتباع ایران از کشور

خ- اخراج بیگانگان از کشور

د- الزام به خدمات عمومی

ذ- منع از عضویت در احزاب، گروه‌ها و دستجات سیاسی یا اجتماعی

ر- توقیف وسایل ارتکاب جرم یا رسانه یا مؤسسه دخیل در ارتکاب جرم

ز- الزام به یادگیری حرفه، شغل یا کار معین

ژ- الزام به تحصیل

س- انتشار حکم محکومیت قطعی

حداکثر مدت اجرای مجازات تکمیلی:

مجازات تکمیلی، مجازاتی بدون در نظر گرفتن محدودیت زمانی نیست. بنابراین، تبصره‌ی یک ماده‌ی ۲۳ مقرر داشته است: مدت مجازات تکمیلی، بیش از دو سال نیست مگر در مواردی که، قانون به نحو دیگری مقرر کرده است.

تفاوت ماهیت مجازات تکمیلی با مجازات اصلی:

قاضی صادرکننده‌ی حکم، مختار به صدور مجازات تکمیلی مشابه با مجازات اصلی، در مورد متهم نیست و حتماً باید ماهیت



و منافع است که به شرح مندرج در کتاب سوم این قانون اعمال می‌شود.

ماده -۱۷ دیه اعم از مقدر و غیرمقدر، مالی است که در شرع مقدس برای ایراد جنایت غیرعمدی بر نفس، اعضاء و منافع و یا جنایت عمدی در مواردی که به هر جهتی قصاص ندارد به موجب قانون مقرر می‌شود.

ماده -۱۸ تعزیر مجازاتی است که مشمول عنوان حد، قصاص یا دیه نیست و به موجب قانون در موارد ارتکاب محرمات شرعی یا نقض مقررات حکومتی تعیین و اعمال می‌گردد. نوع، مقدار، کیفیت اجراء و مقررات مربوط به تخفیف، تعلیق، سقوط و سایر احکام تعزیر به موجب قانون تعیین می‌شود. دادگاه در صدور حکم تعزیری، با رعایت مقررات قانونی، موارد زیر را مورد توجه قرار می‌دهد:

الف- انگیزه مرتکب و وضعیت ذهنی و روانی وی حین ارتکاب جرم

مجازات اصلی و تکمیلی، علی حده باشند. اگر مجازات اصلی و تکمیلی از ماهیتی واحد برخوردار باشند، در این صورت فقط مجازات اصلی قابل اجراست.

تبصره ۲ ماده ۲۳ ناظر به همین موضوع است.

محکوم به مجازات تکمیلی باید دقیقاً دستورات دادگاه را اجرا کند و اگر از اجرای دستور دادگاه سرپیچی کند به ضمانت اجرای مقرر در ماده ۲۴ محکوم می‌شود: چنانچه محکوم طی مدت اجرای مجازات تکمیلی، مفاد حکم را رعایت ننماید، دادگاه صادرکننده حکم به پیشنهاد قاضی اجرای احکام برای بار اول مدت مجازات تکمیلی مندرج در حکم را تا یک سوم افزایش می‌دهد و در صورت تکرار، بقیه مدت محکومیت را به حبس یا جزای نقدی درجه هفت یا هشت تبدیل می‌کند. همچنین بعد از گذشتن نیمی از مدت مجازات تکمیلی، دادگاه می‌تواند با پیشنهاد قاضی اجرای حکم در صورت اطمینان به عدم تکرار جرم و اصلاح مجرم، نسبت به لغو یا کاهش مدت زمان مجازات تکمیلی وی اقدام کند.

آیین نامه راجع به نحوه اجرای مجازات‌های تکمیلی موضوع ماده ۲۳ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲/۲/۱ در اجرای تبصره ۳ ماده ۲۳ قانون مجازات اسلامی، مصوب ۱۳۹۲ و بنا به پیشنهاد وزیر دادگستری «آیین نامه راجع به کیفیت اجرای مجازات تکمیلی موضوع ماده ۲۳ قانون مجازات اسلامی، به شرح مواد آتی است.

الف. اقامت اجباری در محل معین

ماده ۱. در مورد حکم به اقامت اجباری در محل معین، قاضی اجرای احکام بعد از اجرای حکم اصلی محکوم را جهت اجرای حکم در خصوص اقامت اجباری احضار می‌کند. پس از حضور محکوم، قاضی مذکور با تنظیم صورتجلسه مفاد حکم و محدوده محلی که باید در آن اقامت داشته باشد را به او تفهیم می‌کند. ماده ۲. در صورتی که محل اقامت اجباری، محلی غیر از حوزه قضایی مرجع مجری حکم باشد، قاضی اجرای احکام از طریق اعطاء نیابت قضایی که مشتمل بر مشخصات محکوم علیه، مدت اقامت اجباری و دستورات دادگاه است، از مرجع مجری نیابت اجرای حکم را تقاضا می‌کند. در این صورت قاضی اجرای احکام رونوشتی از دادنامه قطعی صادره را نیز به ضمیمه ارسال می‌کند.

تبصره. نظارت بر اجرای صحیح حکم اقامت اجباری به عهده مرجع مجری نیابت است.

ماده ۳. اعزام محکومان اقامت اجباری به محل تعیین شده به عهده نیروی انتظامی یا سایر ضابطین دادگستری است که این وظیفه به عهده آنان است.

تبصره ۱. چنانچه محکوم علیه درخواست کند که رأساً به محل اقامت اجباری عزیمت کند با موافقت قاضی اجرای احکام، می‌تواند خود را به محل اقامت اجباری معرفی کند. در این صورت، قاضی اجرای احکام با اعطای نیابت قضایی، اجرای حکم را از مرجع مجری نیابت درخواست می‌کند و نسخه‌ای جهت ارائه به آن مرجع تحویل محکوم می‌شود.

تبصره ۲. در صورتی که محکوم علیه جهت تحمل حبس در زندان باشد، قاضی اجرای احکام مراتب محکومیت به اقامت اجباری را به زندان اعلام تا اقدامات مذکور در این ماده و مواد ۱ و ۲ توسط قاضی ناظر زندان انجام گردد.

تبصره ۳. در صورتی که محکوم به اقامت اجباری، مخفی یا متواری گردد یا از رفتن به محل اقامت امتناع نماید، به دستور قاضی اجرای احکام بازداشت و تحت مراقبت مأموران انتظامی یا سایر ضابطین دادگستری مربوط، با رعایت مواد ۱ و ۲ این آیین نامه به محل اجرای حکم اعزام می‌شود.

تبصره ۴. در صورتی که اعزام محکوم به محل اقامت اجباری به علت عذر موجه، از قبیل حوادث غیرمترقبه ممکن نباشد، پس از رفع مانع یاد شده اقدام خواهد شد.

تبصره ۵. شروع محکومیت اقامت اجباری، از روز حضور در محل به نحو مذکور در تبصره (۱) و یا حضور وی از طریق اعزام احتساب خواهد شد.

ماده ۴. پس از حضور محکوم در محل اقامت اجباری، قاضی اجرای احکام، محکوم را به نیروی انتظامی محل معرفی و کیفیت اجرای حکم را به آن مرجع اعلام می‌کند. محکوم به اقامت اجباری مکلف به اجرای دستور قضائی مرجع مجری نیابت از حیث حضور در دفتر اجرای احکام یا مرجع انتظامی محل در زمان‌های تعیین شده است.

تبصره ۱. نیروی انتظامی محل مکلف است فرمانداری و اداره اطلاعات محل را از حضور محکوم مطلع کند.

تبصره ۲. محکوم موظف است پس از استقرار در محل اقامت اجباری، نشانی محل اقامت جدید خود را در اسرع وقت حسب مورد به مرجع مجری حکم اعلام کند.

ماده ۵. محکوم به اقامت اجباری در صورت عدم توانائی مالی و عدم امکان اشتغال در محل اقامت، به نهادهای حمایتی از قبیل

اشتغال به شغل یا حرفه یا کاری که به موجب حکم دادگاه منع گردیده، خودداری نماید.

ت. انفصال از خدمات دولتی و عمومی

ماده ۱۰. در مورد حکم انفصال از خدمات دولتی و عمومی، قاضی اجرای احکام مفاد حکم دادگاه مبنی بر انفصال محکوم از خدمات دولتی و عمومی را جهت اجراء به دستگاه اجرایی یا نهاد یا سازمان متبوع مستخدم ابلاغ تا مطابق مفاد آن اقدام کند. تبصره. مسئولیت اجرای مفاد حکم دادگاه با بالاترین مقام دستگاه خواهد بود.

ث. منع از رانندگی با وسایل نقلیه موتوری و یا تصدی وسایل

موتوری

ماده ۱۱. در مورد حکم به محکومیت منع از رانندگی با وسایل نقلیه موتوری و یا تصدی وسایل موتوری، قاضی اجرای احکام مطابق رأی دادگاه مراتب را به معاونت راهنمایی و رانندگی نیروی انتظامی جهت ابطال گواهینامه ابلاغ می‌کند. مرجع مذکور پس از اجرای دستور قضایی نتیجه را به مرجع مجری حکم اعلام می‌کند.

هرگاه نیروی انتظامی تخلف محکوم از مفاد حکم را در هر یک از نقاط کشور مشاهده کند، مراتب را جهت اتخاذ تصمیم مقتضی به مرجع مجری حکم اعلام می‌کند.

ج. منع از داشتن دسته چک و یا اصدار اسناد تجارتي

ماده ۱۲. هرگاه محکومیت مبنی بر منع از داشتن دسته چک باشد، قاضی اجرای احکام مراتب را به منظور عدم صدور دسته چک به بانک مرکزی اعلام می‌کند.

در صورت صدور حکم محکومیت مبنی بر منع از اصدار چک قاضی اجرای احکام مراتب را به بانک یا بانکهای مربوط جهت انسداد حساب جاری وی اعلام می‌کند. ضمناً مراتب به بانک مرکزی اعلام می‌شود تا به بانکها اعلام نماید از افتتاح مجدد حساب جاری برای محکوم خودداری کنند. همچنین، قاضی اجرای احکام به محکوم اخطار می‌کند برگ یا برگهای سفید دسته چک را که در اختیار دارد، جهت ابطال برگه‌ها به مرجع مجری حکم تحویل دهد. با تحویل برگه‌های مذکور، قاضی اجرای احکام با تنظیم صورتجلسه ای که به امضای وی و محکوم می‌رسد، مبادرت به ابطال آنها می‌کند. چنانچه محکوم

کمینه امداد حضرت امام (ره) و بهزیستی و یا شهرداری محل معرفی خواهد شد.

ماده ۶. اعطای مرخصی به محکومان اقامت اجباری براساس ضوابط مرخصی زندانیان، حسب مورد با موافقت قاضی اجرای احکام یا قاضی مجری نیابت است. در صورت اعطای مرخصی، مراتب به نیروی انتظامی محل اعلام می‌شود.

ماده ۷. چنانچه به لحاظ بروز مشکلات ناشی از اجرای حکم، امکان اجرای حکم فراهم نباشد، به نحوی که مستلزم تغییر محل اقامت اجباری باشد، مرجع مجری حکم می‌تواند از دادگاه صادرکننده حکم قطعی تقاضای تغییر محل مذکور را بنماید. اتخاذ تصمیم در این مورد با دادگاه مذکور خواهد بود.

ب. منع از اقامت در محل یا محل های معین

ماده ۸. هرگاه حکم دادگاه مستلزم منع اقامت در محل یا محل های معین باشد، قاضی اجرای احکام مفاد حکم و محدوده محل یا محل هایی که باید از اقامت در آنها خودداری کند را به محکوم تفهیم می‌کند. چنانچه محل یا محل های ممنوعه که توسط دادگاه معین شده خارج از حوزه قضایی دادگاه باشد، قاضی اجرای احکام از طریق اعطاء نیابت قضایی به مرجع قضایی مربوط نسبت به اجرای حکم اقدام می‌کند. قاضی اجرای احکام مراتب را به نیروی انتظامی محل یا محل های ممنوعه اعلام می‌کند تا در صورت مشاهده محکوم علیه در آن محل یا محل ها، مراتب را جهت اتخاذ تصمیم مقتضی به مرجع قضایی اعلام کند. محکوم مکلف است در صورت تغییر نشانی محل اقامت، نشانی جدید خود را به مرجع مجری حکم اعلام نماید.

پ. منع از اشتغال به شغل، حرفه یا کار معین

ماده ۹. چنانچه حکم دادگاه مستلزم محکومیت به منع از اشتغال به شغل، حرفه یا کار معین باشد، اگر محکوم اشتغال به آن داشته باشد، قاضی اجرای احکام مراتب حکم را حسب مورد به کارفرما و یا بالاترین مدیر یا مسئول محل اشتغال محکوم ابلاغ می‌نماید. اشخاص یاد شده موظفند ضمن رعایت دستور قضایی مراتب را به قاضی اجرای احکام اعلام نمایند. چنانچه محکوم دارای جواز کار یا پروانه اشتغال باشد، با رعایت ماده ۳۰ قانون مجازات اسلامی، مصوب ۱۳۹۲، جواز کار یا پروانه اشتغال وی از طریق مرجع مربوط و با اعلام قاضی اجرای احکام لغو می‌گردد. در صورتی که محکوم اشتغال نداشته باشد، قاضی اجرای احکام به وی ابلاغ می‌کند، از

اعلام نماید برگه چک در اختیار ندارد، به ترتیب فوق صورتجلسه می‌گردد. در مورد صدور حکم مبنی بر منع از اصدار سایر اسناد تجارتي قاضی اجرای احکام مفاد حکم را به محکوم ابلاغ و تفهیم می‌کند که از اصدار آنها خودداری کند. تبصره. بانک مرکزی مکلف است مشخصات محکومان موضوع این ماده را از طریق سامانه به کلیه بانکها اعلام کند.

چ. منع از حمل سلاح

ماده ۱۳. در مورد محکومیت به منع حمل سلاح، قاضی اجرای احکام موظف است مفاد حکم دادگاه مبنی بر ممنوعیت از حمل سلاح را به مرجع صادرکننده پروانه حمل و سایر مراجعی که مجاز به صدور پروانه حمل سلاح هستند، اعلام کند. همچنین، قاضی مذکور موظف است به محکوم اخطار نماید، سلاح خود را جهت توقیف به اجرای احکام تحویل دهد. پس از ارائه سلاح به اجرای احکام، قاضی اجرای احکام با تنظیم صورتجلسه ای که به امضای وی و محکوم می‌رسد، سلاح را تحویل گرفته و آن را جهت توقیف به مرجع ذی ربط ارسال می‌کند. مرجع صادرکننده پروانه حمل سلاح، مطابق رأی دادگاه، موظف به ابطال پروانه مذکور می‌باشد.

ح. منع خروج اتباع ایران از کشور

ماده ۱۴. در صورت صدور حکم مبنی بر منع از خروج تبعه ایران از کشور، قاضی اجرای احکام موظف است اقدامات زیر را انجام دهد:

الف. مراتب محکومیت محکوم را با ذکر مشخصات کامل و شماره ملی به انضمام گزارشی از مفاد حکم قطعی و مدت زمان محکومیت جهت اعلام به مراجع ذیربط قانونی به دادستان کل کشور اعلام کند.

ب. به اداره گذرنامه نیروی انتظامی جمهوری اسلامی ایران اعلام کند تا پایان مدت محکومیت از پذیرش درخواست صدور گذرنامه برای وی مطابق حکم دادگاه خودداری کند.

پ. به محکوم اخطار کند در صورتی که گذرنامه برای وی صادرگردیده آن را به قاضی اجرای احکام تحویل دهد. در صورت تحویل، گذرنامه را جهت ابطال به اداره گذرنامه نیروی انتظامی جمهوری اسلامی ایران ارسال کند.

خ. اخراج اتباع خارجی از کشور

ماده ۱۵. در مورد حکم به محکومیت اخراج تبعه خارجی از کشور، قاضی اجرای احکام پس از اجرای مجازات اصلی، از طریق مرجع انتظامی نسبت به اخراج وی اقدام می‌کند. هرگونه تردد یا اقامت تبعه مذکور در قلمرو جمهوری اسلامی ایران در مدت مقرر در حکم ممنوع است. مرجع مذکور موظف است پس از اجرای دستور قضایی مراتب را به مرجع مجری حکم اعلام کند.

د. الزام محکوم به خدمات عمومی

ماده ۱۶. نحوه اجرای حکم دادگاه مبنی بر الزام محکوم به خدمات عمومی بر اساس آیین نامه اجرایی ماده ۷۹ قانون مجازات اسلامی است.

ذ. منع عضویت در احزاب، گروه‌ها و دستجات سیاسی یا اجتماعی

حکم به محکوم ابلاغ و نیز دستور توقیف آن را به نیروی انتظامی صادر می‌کند. نیروی انتظامی موظف است نسبت به توقیف وسایل مزبور اقدام کند. نحوه و مکان نگهداری به ترتیبی است که توسط قاضی اجرای احکام تعیین می‌شود.

تبصره ۱. توقیف نشریات و مطبوعات چاپی به وزارت ارشاد و مراکز چاپ آنها اعلام می‌شود.

تبصره ۲. توقیف رسانه‌های الکترونیکی و یا داده‌ها یا سامانه‌های رایانه‌ای به ترتیب مقرر در مواد ۴۱.۴۰ و ۴۲ قانون جرایم رایانه‌ای مصوب سال ۱۳۸۸ خواهد بود.

ز. الزام به یادگیری حرفه، شغل یا کار معین

ماده ۱۹. در مورد حکم دادگاه مبنی بر الزام محکوم به یادگیری حرفه، شغل یا کار معین، به محکوم اخطار می‌شود، طبق رأی دادگاه در یکی از مراکز مورد تأیید قاضی اجرای احکام مبادرت به یادگیری حرفه، شغل یا کار کند.

تبصره. محکوم موظف است در پایان هر ماه گزارش کار خود را به ضمیمه تأییدیه مرکز پذیرش، به قاضی اجرای احکام ارائه کند.

ژ. الزام به تحصیل

ماده ۲۰. در مورد محکومیت الزام به تحصیل، به محکوم اخطار می‌شود طبق رأی دادگاه در یکی از آموزشگاه‌های معتبر مورد تأیید قاضی اجرای احکام مبادرت به تحصیل کند.

ماده ۱۷. چنانچه حکم دادگاه مبنی بر منع از عضویت در احزاب، گروه‌ها و دستجات سیاسی یا اجتماعی باشد، قاضی اجرای احکام موظف است، حکم دادگاه مبنی بر منع محکوم از عضویت در احزاب، گروه‌ها و دستجات سیاسی و اجتماعی را به مراجع مربوط اعلام نماید.

همچنین، حسب مورد به حزب یا گروه یا دستجات اعلام نماید، مطابق حکم دادگاه از ادامه عضویت یا پذیرش محکوم خودداری شود.

ر. توقیف وسایل ارتکاب جرم یا رسانه یا مؤسسه دخیل در ارتکاب جرم

ماده ۱۸. در موردی که حکم دادگاه مستلزم توقیف وسیله ارتکاب جرم یا رسانه و یا مؤسسه دخیل در ارتکاب جرم باشد، قاضی اجرای احکام مطابق رأی دادگاه مراتب توقیف را به مدت مقرر در



تبصره. محکوم موظف است در پایان هر ماه گزارش کار خود را به ضمیمه تأییدیه آموزشگاه مربوط به دادسرا ارائه کند.

س. انتشار حکم محکومیت قطعی

ماده ۲۱. چنانچه حکم قطعی دادگاه مبتنی بر انتشار آن باشد، مفاد حکم دادگاه در يك نوبت در یکی از روزنامه‌های محلی منتشر می‌شود؛ مگر اینکه دادگاه به نحو دیگری مقرر داشته باشد.

تبصره ۱. در صورتی که حکم صادره از موارد مذکور در تبصره ماده ۳۶ قانون مجازات اسلامی، مصوب ۱۳۹۲ باشد، مفاد حکم قطعی به تشخیص دادگاه در رسانه ملی یا یکی از روزنامه‌های کثیرالانتشار منتشر می‌شود.

تبصره ۲. هزینه نشر آگهی‌های مذکور توسط اداره امور مالی دادگستری محل پرداخت می‌شود.



شش تا درجه یک محکوم کرده است با رعایت شرایط مقرر در این قانون، متناسب با جرم ارتكابی و خصوصیات وی، به یک یا چند مجازات از مجازات‌های تکمیلی زیر محکوم نماید: الف- اقامت اجباری در محل معین. ب- منع از اقامت در محل یا محل‌های معین. پ- منع از اشتغال به شغل، حرفه یا کار معین. ت- انفصال از خدمات دولتی و عمومی. ث- منع از رانندگی با وسایل نقلیه موتوری و یا تصدی وسایل موتوری. ج- منع از داشتن دسته چک و یا اصدار اسناد تجارتي. چ- منع از حمل سلاح. ح- منع از خروج اتباع ایران از کشور. خ- اخراج بیگانگان از کشور. د- الزام به خدمات عمومی. ذ- منع از عضویت در احزاب، گروه‌ها و دستجات سیاسی یا اجتماعی. ر- توقیف وسایل ارتكاب جرم یا رسانه یا موسسه دخیل در ارتكاب جرم. ز- الزام به یادگیری حرفه، شغل یا کار معین. ژ- الزام به تحصیل. س- انتشار حکم محکومیت قطعی.

مجازی، محرومیت در فعالیت‌های سیاسی، اجتماعی و فرهنگی و تدریس در دانشگاه، منع از عضویت در احزاب، ممنوع‌الخروج از کشور به عنوان مجازات تکمیلی محکوم می‌کنند. این موارد برای متهمان سیاسی، یک تضييع حق و سلب آزادی‌شان است و دارای مبنا و منطق حقوقی نیست. چه اینکه متهمان سیاسی در واقع، جرمی مرتکب نشده‌اند که حضور آنان در فضای مجازی یا احزاب یا فعالیت‌های اجتماعی برای جامعه خطرناک باشد.

یا در مواردی مانند پرونده سهیلی عربی می‌بینیم که در دادگاه تجدید نظر، به ۹۰ ماه زندان و «دو سال تحقیقات مذهبی» برای اثبات پشیمانی و نجات از حکم اعدام محکوم شد. او ضمن گذراندن هفت سال و نیم زندان، برای حذف مجازات اعدام و اثبات ندامت خود، باید ۱۳ جلد کتاب در حوزه دین‌شناسی، مذهب‌شناسی و رفع شبهات دینی بخواند. در مرحله دوم باید از هر کتاب پنج تا ۱۰ صفحه خلاصه تهیه کند. او همچنین در تماس با مؤسسه «در راه حق» و «پژوهشکده امام خمینی» باید

محمد مقیمی: مجازات‌های تکمیلی صادر شده برای متهمان سیاسی مبنای حقوقی ندارد



آفاق ربیعی زاده

وسیعی از کیفرها، از «نگهداری از حیوانات» و «کار در غسلخانه و شست‌وشوی میت» گرفته تا «خدمت اجباری در بسیج»، «رونویسی اجباری از کتاب‌های ایدئولوژیک» و «شرکت اجباری در کلاس‌های دینی» را در برمی‌گیرد.

محمد مقیمی، وکیل دادگستری و کارشناس ارشد حقوق بشر، بر این باور است که احکام مجازات تکمیلی که برای متهمان سیاسی در سال‌های اخیر صادر شده، نه تنها منجر به «تضييع حق و سلب آزادی» از این کنشگران شده بلکه این احکام، بر اساس یک مبنا و منطق حقوقی، صادر نشده‌اند.

مجله حقوق ما، برای بررسی این موضوع، با این حقوق‌دان گفت‌وگو کرده است.

پرسش: در سال‌های اخیر عمدتاً چه مجازات‌های تکمیلی برای زندانیان سیاسی در نظر گرفته شده است؟

پاسخ: ماده ۲۳ قانون مجازات اسلامی مقرر می‌دارد: دادگاه می‌تواند فردی را که به حد، قصاص یا مجازات تعزیری از درجه

طبق «کنوانسیون منع شکنجه و رفتار یا مجازات خشن، غیر انسانی یا تحقیرکننده» که در ۱۰ دسامبر ۱۹۸۴ توسط مجمع عمومی سازمان ملل متحد تصویب شده است، هیچ فردی را نمی‌توان مورد آزار، شکنجه یا مجازات و رفتارهای غیر انسانی قرار داد که سلب‌کننده حقوق مدنی و اجتماعی آن فرد باشد. مراجع قضایی ایران به‌ویژه دادگاه‌های انقلاب که مسئولیت رسیدگی به پرونده مخالفان سیاسی به آنها واگذار شده، اما، مجازات‌های تکمیلی را به عنوان احکام تردیلی‌ای در نظر می‌گیرند که هدف از صدور آن، ایجاد حس حقارت و پشیمانی برای مخالفان یا به عبارت دیگر به‌نوعی آزار روانی و حتی جسمانی آنان است.

قضات دادگاه در ایران، برای صدور احکام مجازات‌های تکمیلی، با ارجاع به قانون مجازات اسلامی، می‌توانند بسته به تصمیم شخصی خود، احکامی را صادر کنند.

مجازات‌های تکمیلی صادر شده در سال‌های اخیر، دایره

پاسخ شبهات خود را بگیرد و پرسش و پاسخ‌ها را به صورت مکتوب به دادگاه ارائه کند. او همچنین، باید مقاله‌ای با موضوع دین یا مذهب‌شناسی تهیه و برای نوشتن آن به پنج تا ۱۰ کتاب رجوع کند. این زندانی سیاسی همچنین باید طی دو سال و هر سه ماه یک بار، گزارش تحقیقات خود را به دادگاه ارائه کند تا پس از اثبات پشیمانی‌اش برای دادگاه و تغییر در رفتارش، از مجازات اعدام نجات یابد.

صرف نظر از اینکه این مجازات با موارد احصاء شده در ماده ۲۳ قانون مجازات اسلامی، مطابقت ندارد (موارد مجازات تکمیلی در این ماده احصاء شده و تمثیلی نیست). این مجازات خلاف آزادی اندیشه و بیان است که در قانون اساسی جمهوری اسلامی و اسناد بین‌المللی حقوق بشری به رسمیت شناخته شده است. بنابراین، این نوع از مجازات به نوعی شکنجه متهمان است.

پرسش: اساس مجازات‌های تکمیلی چیست و در چه راستایی صادر و اجرا می‌شوند؟

پاسخ: مجازات‌های تکمیلی به مجازات‌هایی گفته میشود که به مجازات اصلی افزوده می‌شوند و افزون بر این‌که باید در دادنامه ذکر گردد، هیچگاه به تنهایی مورد حکم دادگاه قرار نمیگیرند. زیرا این مجازات‌ها باید مجازات اصلی را تکمیل کنند. برای نمونه دادگاه می‌تواند (اختیاری است، نه اجباری) افزون بر اعمال مجازات اصلی، بزهدار را به اقامت اجباری در محل معین ملزم یا از اقامت در آن محل یا محل‌های معین منع کند، یا او را از اشتغال به شغل و حرفه‌ای معین باز دارد.

اعمال مجازات‌های تکمیلی از سوی دادگاه امری اختیاری است اما در برخی از موارد که قانون‌گذار در خصوص جرم خاصی، مجازات تکمیلی وضع کرده، این امر اجباری می‌شود. مانند ضبط اشیاء و اموالی که از جرم تحصیل شده یا وسیله ارتکاب جرم بوده، در این مورد، مجازات تکمیلی اجباری است. در موادی از قبیل ماده ۷۱۲ قانون تعزیرات، در خصوص اموالی که از راه تکدیگری و کلاشی بدست آمده است، یا ماده ۱۴ قانون

شکار و صید، در مورد ضبط آلات و ادوات شکار و صید، این موضوع قابل ملاحظه است.

به نظر می‌رسد، مجازات تکمیلی، یک تاسیس حقوقی است که با هدف پیش‌گیری و مقابله با حالت خطرناک برخی از بزهداران پیش‌بینی شده است. برای نمونه، هنگامی که شخصی به خیانت در امانت محکوم گردد، حضور او در هیات مدیره یک شرکت تجاری برای جامعه زیان‌آور است یا شخصی که به اختلاس محکوم شده است، حضورش در احزاب سیاسی، خطرناک است.

ولی نکته مهم اینکه در جهان امروز، به‌طور اساسی نباید جرم سیاسی وجود داشته باشد و اگر هم برخلاف موازین حقوق بشر، چنین جرایمی وجود دارد، مجازات‌های تکمیلی در خصوص این جرایم نباید اعمال گردد. چه این‌که مجرم سیاسی برای خیر عمومی مرتکب اعمالی شده است و دارای حالت خطرناک و شخصیت ضداجتماعی نیست.

پرسش: با توجه به غیر پاسخ‌گو بودن مقامات قضایی در ایران، سپردن اختیار تام به قضات برای تعیین نوع مجازات‌های تکمیلی، تا چه میزان می‌تواند ناقض حقوق متهمان باشد؟

نتایج نتیجه تجزیه، آزمون و خطاء و رشد جامعه بین‌المللی نشان می‌دهد که دادگستری و مقامات قضایی باید مستقل باشند و تنها در این صورت است که سلامت و امنیت قضایی یک جامعه تضمین می‌گردد. بدیهی است، این مهم، تنها در پرتو وجود دموکراسی و رعایت اصول حکمرانی مطلوب میسر می‌شود.

از این رو، اگر این استقلال وجود ندارد، راهکار یا جایگزین دیگری برای آن وجود ندارد. در واقع، این موضوع مصداق بارز ضرب‌المثل هرچه بگندد، نمکش می‌زنند، وای به روزی که بگندد نمک، است.

مهرانگیز کار

انتقام‌گیری شخصی به جای مجازات، از سوی

برخی از قضات



علی‌اصغر فریدی

قانون را "انسان" می‌نویسد، "انسان" تصویب می‌کند و "انسان" به اجرا می‌گذارد. اصل و فرض این است که انسان عقل دارد، انصاف دارد و حتی اگر از اعلامیه جهانی حقوق بشر و حقوق انسان در متون جهانی خبر نداشته باشد، به صورت طبیعی باید درک کند که برای برخی از مردم، مجبور کردن آنها به انجام بعضی از مشاغل همانند کار در مرده‌شورخانه، مجازات نیست و بلکه در حد حکم مرگ است. شخصی که برای انجام این حرفه توانائی روانی ندارد، دست کم دیوانه می‌شود.

اینها بخشی از سخنان مهرانگیز کار، حقوقدان و فعال حقوق بشر است در مصاحبه با مجله "حقوق ما" در مورد مجازات‌های تکمیلی، مشروح کامل این گفتگو در زیر آمده است.

مجازات تکمیلی چیست و قاضی در چه زمانی و بنا به چه ضوابط اقدام به صدور آن میکند؟

مجازات‌های تکمیلی، انواعی از مجازات‌ها است که دادگاه اختیار دارد برخی را بر مجازات اصلی بیافزاید. به این ترتیب تشخیص دادگاه، منشاء صدور مجازات تکمیلی است و چنانچه دادگاه به ضرورت آن متقاعد نشود، مجازات تکمیلی منتفی است.

در قانون مجازات اسلامی ایران، قاضی می‌تواند برای محکومین به جرائمی که مجازات حدود یا قصاص یا تعزیر شامل حال‌شان می‌شود، سواى مجازات اصلی، طبق شرایط مندرج در قانون، مجازات‌های تکمیلی نیز در حکم صادره پیش‌بینی کند.

بر اساس ماده ۲۳ قانون مجازات اسلامی، دادگاه می‌تواند فردی را

که به حد، قصاص، یا مجازات تعزیری از درجه شش تا درجه یک محکوم کرده است با شرایط مقرر در این قانون، متناسب با جرم ارتكابی و خصوصیات وی، به یک یا چند مجازات از مجازات‌های تکمیلی زیر محکوم نماید: الف- اقامت اجباری در محل معین. ب- منع از اقامت در محل یا محل‌های معین. پ- منع از اشتغال به شغل، حرفه یا کار معین. ت- انفصال از خدمات دولتی یا عمومی. ث- منع از رانندگی با وسایل نقلیه موتوری و یا تصدی وسایل موتوری. ج- منع از داشتن دسته چک و یا اصدار اسناد تجارتي. چ- منع از حمل سلاح. ح- منع از خروج اتباع ایران از کشور. خ- اخراج بیگانگان از کشور. د- الزام به خدمات عمومی. ذ- منع از عضویت در احزاب، گروه‌ها و دستجات سیاسی یا اجتماعی. ر- توقیف وسایل ارتكاب جرم یا رسانه یا موسسه دخیل در ارتكاب جرم. ز- الزام به یادگیری حرفه، شغل یا کار معین. ژ- الزام به تحصیل. س- انتشار حکم محکومیت قطعی.

بنابراین، محکومین به مجازات‌های حد و قصاص و تعزیر ممکن است علاوه بر محکومیت به مجازات اصلی که با جرم انتسابی در تناسب است، حسب نظر قاضی به یک یا چند مجازات تکمیلی که در فهرست بالا ذکر شده، محکوم بشود.

نحوه‌ی اجرای مجازات‌های تکمیلی در آئین نامه‌ای که از تصویب قوه قضائیه در تاریخ ۲۶ / ۱۱ / ۱۳۹۳ گذشته، شرح داده شده است.

آیا برای صدور مجازات تکمیلی شرایط روحی و جسمی و یا اعتقادی متهم در نظر گرفته می‌شود؟

قانون‌گذار در هر یک از نظام‌های سیاسی، با این فرض قانون‌گذاری می‌کند که آن قانون را انسان‌هایی با عقل و انصاف انسانی به اجرا می‌گذارند. هرگاه فرض قانون‌گذار بر این باشد که قانون را کسانی اجرائی می‌کنند که خود تمایل به ارتکاب شکنجه و جنایت دارند و محکوم را مانند طعمه‌ای در حیات وحش تحویل گرفته و ماهیت حکم را در بستر اجرا بکلی تغییر می‌دهند، برای حفظ منزلت خود از قانون‌گذاری امتناع می‌کنند.

در جمهوری اسلامی ایران با وجود کاستی‌های فراوان در "فن قانون‌گذاری" و تفاسیری که با بی‌مبالاتی از قانون ارائه می‌شود، اگر مجریان قانون از خو و خصلت انسانی بهره‌ای داشته باشند و آن‌ها را از میان جوان‌های شریف ایرانی انتخاب کرده باشند، اجرای قانون متناسب با ویژگی‌های انسانی میسر می‌شود. در این موقعیت، البته مجریان حکم به شرایط جسمی، روحی و اعتقادی محکوم توجه می‌کنند. به این معنا که قانون‌گذار لازم نمی‌بیند در حکم صادره حتما بنویسد که باید شرایط جسمی و روحی و اعتقادی محکوم را در مرحله‌ی اجرا در نظر گرفت. در قوانین کیفری اصل بر این است و در موادی از قانون هم آمده است که در صورت عدم توانایی محکوم برای تحمل مجازات، اجازه داده می‌شود بقیه مدت محکومیت را اگر حبس است زیر نظارت قوه قضائیه در خانه بگذرانند. همین درجه از تجویز قانون‌گذار کافی است تا مجریان مجازات‌های تکمیلی، شرایط محکوم را از هر حیث در نظر بگیرند.

این که بند "د" از ماده ۲۳ "الزام به خدمات عمومی" را در جای یکی از مجازات‌های تکمیلی به رسمیت شناخته، به معنای انصراف از شرایط روحی محکوم نیست. طبعاً اگر بنا بر شکنجه و نابودی محکوم نباشد، او را در شرایطی قرار نمی‌دهند تا بکلی از بین برود، به جای آن که تنبیه بشود.

همچنین فرمان بر حفظ کردن قرآن نه تنها بر اقلیت‌های مذهبی که بر مسلمان‌ها نیز امری است طاقت‌فرسا. گاهی گفته می‌شود مجرمی قرآن را در زندان حفظ کرد و عفو شد. این خبرها ماهیت تبلیغ دینی دارد و وقتی حکومت دینی است، پروپاگاندايي است که حکومت را تبلیغ می‌کند، بی آن که به حکومت و جاهت و مشروعیت بدهد.

به موجب ماده ۱۶ آئین نامه نحوه اجرای مجازات‌های تکمیلی: "نحوه‌ی اجرای حکم دادگاه مبنی بر الزام محکوم به خدمات عمومی بر اساس آیین نامه اجرائی ماده ۷۹ قانون مجازات اسلامی است."

"آئین نامه اجرایی ماده ۷۹ قانون مجازات اسلامی مصوب ۰۵ / ۰۶ / ۱۳۹۳" اصطلاح "خدمات عمومی رایگان" را که می‌تواند یکی از مصادیق مجازات تکمیلی در آرای دادگاه قرار بگیرد، به شرح زیر تعریف کرده است:

"ماده ۱ بند ب- خدمات عمومی رایگان: خدمت عام المنفعه‌ای که با رضایت محکوم برای مدت معین و به طور رایگان به موجب حکم دادگاه و وفق ماده ۸۴ قانون به شرح مندرج در این آئین نامه، در نهادهای پذیرنده انجام می‌گیرد."

محکومیت به انجام خدمات عمومی رایگان که در قانون مجازات اسلامی، در جای "جایگزین حبس" پذیرفته شده است، ایجاب کرده تا تعاریف دقیق از خدمات عمومی وارد آئین نامه شده و همه جا بر ضرورت رضایت و توانایی‌های محکوم برای انجام آن تاکید بشود.

ماده ۲ و بندهای ذیل آن موضوع را با ذکر دقیق انواع خدمات عمومی



رایگان توضیح داده است.

"به موجب ماده ۷ آئین نامه - چنانچه به لحاظ بروز مشکلات ناشی از اجرای حکم، امکان اجرای حکم فراهم نباشد، به نحوی که مستلزم تغییر محل اقامت اجباری باشد، مرجع مجری حکم می‌تواند از دادگاه صادر کننده حکم قطعی تقاضای تغییر محل مذکور را بنماید. اتخاذ تصمیم در این مورد با دادگاه مذکور خواهد بود."

"به موجب ماده ۵ آئین نامه - محکوم به اقامت اجباری در صورت عدم توانایی مالی و عدم امکان اشتغال در محل اقامت، به نهادهای حمایتی از قبیل "کمیته امداد امام و بهزیستی یا شهرداری محل معرفی خواهد شد."

در نهایت باید بگویم، قوانین و آئین نامه‌های ناظر بر انواع مجازات‌های تکمیلی، در حدودی که لازم و کافی است، ملاحظات شخصیتی، روانی، جسمی و حتی مالی و معیشتی محکوم را در نظر گرفته و دارای ظرفیت‌هایی است که اگر توسط مجریان بی‌سواد و بی‌انصاف به اجرا گذاشته بشود، در جهت عکس فلسفه‌ی وجودی خود عمل می‌کند.

همچنین قوانین ناظر بر مجازات‌های تکمیلی مانند دیگر قوانین، لازم است با توجه به تحولات اجتماعی بررسی و بازبینی شده و برخی از جنبه‌های سختگیرانه‌ی آن به سمت اعتدال گرایش پیدا کند. از آن بیش، قضات که در برخورد با متهمین مشاهده می‌کنند که ممکن است مجازات تکمیلی، زندگی معیشتی، اجتماعی و خانوادگی آن‌ها را متلاشی و بر بحران‌های اجتماعی ناشی از "آسیب پذیری" بیافزاید، از اقدام به افزودن مجازات‌های تکمیلی تا جائی که ممکن است، پرهیز کنند.

ماده ۱۳ آئین نامه در ارتباط با پرسش توجه می‌دهد: "اجرای خدمات عمومی رایگان باید به گونه‌ای باشد که تمامی قوانین و مقررات مربوط از جمله در خصوص شرایط کار زنان و نوجوانان، محافظت فنی، بهداشتی، ایمنی و ضوابط کارهای سخت و زیان‌آور رعایت شود."

ماده ۶ آئین نامه به قدر کافی نسبت به محکوم به مجازات تکمیلی (انجام خدمات عمومی رایگان) و ملاحظات لازم در باره‌ی شخصیت و توانایی‌های او حساسیت نشان داده است:

"ماده ۶ - دادگاه صادر کننده رای با رضایت محکوم و با توجه به نوع جرم، صلاحیت علمی و اخلاقی، شخصیت، تخصص، مهارت، تجربیات و سن محکوم و همچنین ملحوظ داشتن ظرفیت و اولویت نهادهای پذیرنده خدمت و سایر شرایط قانونی، نوع، مدت و ساعات خدمت عمومی رایگان را تعیین خواهد کرد."

اگر متهم بنا به شرایطی، مثلاً از لحاظ فکری، روحی و روانی و یا جسمی قادر به تحمل مجازات‌های تکمیلی مانند کار در جائی که قاضی حکم داده یا اقامت اجباری در جائی که قاضی تعیین کرده، نباشد، قانون با او چگونه برخورد خواهد کرد؟

در این مورد "آئین نامه راجع به نحوه اجرای مجازات‌های تکمیلی موضوع ماده ۲۳ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱ / ۲ / ۱۳۹۲ - مصوب ۲۶ / ۱۱ / ۱۳۹۳ تا حدودی روشن‌گر است.



مسائل جرم‌شناسی است.

اجباری در نقاط معین است. در اصل این اقامت اجباری در نقاط معین هنگامی باید برای محکوم در نظر گرفته شود که آن فرد در صورت ماندن در محل زندگی خودش دوباره مرتکب جرم شود. اما چیزی که ما شاهد آن هستیم این است که دادگاه‌های انقلاب برای ضربه زدن بیشتر به فعالان امنیتی و سرکوب فعالیت‌شان از مجازات تکمیلی استفاده می‌کند که صدور آن با هدف اصلی مجازات تکمیلی در قانون هیچ تطابقی ندارد.

۳. تبعات حقوقی محکومیت به مجازات تکمیلی برای محکومان چیست؟

به هرحال رعایت نکردن مجازاتی که از طرف قاضی تعیین شده برای محکوم تبعاتی به همراه دارد چون در بیشتر مواقع نیز حکم به تبعید وجود دارد مشکلاتی را برای فرد محکوم شده ایجاد می‌کند. محکومی که تازه از زندان آزاد شده

۲. قضات دادگاه‌های انقلاب حکم مجازات تکمیلی را اغلب در چه بزرگه‌هایی و علیه چه افراد یا گروه‌هایی صادر کرده‌اند؟!

معتقدم که در اکثریت قریب به اتفاق پرونده‌های امنیتی اصلا شخص نباید دستگیر شود. یعنی شخصی که درگیر چنین پرونده‌ای است از همان ابتدا در روند حقوقی قرار نمی‌گیرد و بیشتر مسائل امنیتی و سیاسی در پرونده او در نظر گرفته می‌شود. بنابراین درست‌تر آن است که بگوییم برای این نوع پرونده‌ها از همان ابتدای دستگیری مشکل وجود دارد حالا چه رسد به اضافه شدن مجازات‌های تکمیلی و چگونگی اعمال این مجازات‌ها. اما به طور خاص در دادگاه‌های انقلاب برای سرکوب و اذیت‌کردن محکوم به جرائم امنیتی از مجازات تکمیلی استفاده می‌کنند که اغلب هم تبعید یا اقامت

اشکالات حقوقی در اعمال مجازات تکمیلی



عسل همتی

دادگستری، در میان گذاشته‌ایم.

۱. بر اساس چه ضرورتی در قانون مجازات اسلامی، مجازات تکمیلی گنجانده شده و چرا استفاده از آن به تشخیص قاضی واگذار شده است؟

مجازات تکمیلی در حقوق بسیاری از کشورها وجود دارد. این مجازات‌ها در کشورهای اروپایی اغلب در قالب اقدامات تأمینی و تربیتی هستند و در برخی از کشورها نیز به شکل مجازات‌اند. فلسفه این مجازات‌ها برای رفع حالت خطرناک مجرم و جلوگیری از تکرار دوباره جرم از جانب شخص محکوم است تا دوباره به انجام جرمی مبادرت نرزد. این قانون در اصل قانون خوبی است و مشکلی از نظر حقوقی ندارد اما آنچه که مهم است درست بودن اعمال و اجرای آن است. یعنی اولاً باید زیرساخت‌هایی برای اجرای هدف اصلی آن قانون وجود داشته باشد و دوم این‌که قضات اطلاعات کافی در این باره داشته باشند. این‌که چرا به صلاحیت قضات است خب امری است طبیعی چون این قضات‌اند که تشخیص می‌دهند شخص محکوم نیاز به مجازات تکمیلی دارد یا خیر. در هر حال گفتنی است که اصل مساله درست و مطابق با

در تعریف حقوقی مجازات تکمیلی آمده است که قاضی می‌تواند افزون بر حکم اصلی به منظور جلوگیری از به وجود آمدن زمینه بروز جرایم بعدی از سوی متهم و همچنین برای سرعت بخشیدن به روند اصلاح او حکم مجازات تکمیلی صادر کند و این مجازات‌ها بر اساس قانون باید متناسب با جرم متهم باشند.

اما آیا مجازات‌های تکمیلی اعمال شده از سوی قضات به خصوص قضات دادگاه انقلاب تنها به قصد جلوگیری از تکرار جرم از سوی محکوم صادر می‌شود یا چنانچه در محاکمه فعالان سیاسی رسم محاکم دادگاه‌های انقلاب است، غرض از صدور حکم مجازات تکمیلی زیر فشار گذاشتن متهمان سیاسی و خانواده‌های آنان است؟ مواردی از مجازات تکمیلی که تاکنون برای فعالان سیاسی و عقیدتی صادر شده بیانگر وجود چه رویکردی در دادگاه‌های انقلاب به مساله مجازات تکمیلی است؟ اساساً مجازات تکمیلی چه تبعاتی برای متهمان دارد و در مقابل از نظر حقوقی چه ایرادهایی به آن وارد است؟

در «حقوق ما» این پرسش‌ها را با موسی برزین، وکیل پایه یک

به خودی خود دارای مشکلات زیادی است و تازه پس از آن باید به جای دیگری برای زندگی برود که حداکثر مدت زمان آن دو سال است و این می‌تواند علاوه بر آن شخص خانواده و نزدیکان او را نیز تحت تاثیر قرار دهد و همچنین با تاثیر بر شغل فرد آسیب‌های بیشتری برای او و خانواده‌اش ایجاد کند.

۴. با توجه به عاملیت و نفوذ بازجوهای نهادهای امنیتی در پرونده متهمان سیاسی آیا همچنان می‌توان گفت که قاضی با اختیار خود از مجازات تکمیلی برای این متهمان استفاده می‌کند؟ برای مثال احکام تبعیدی که به تازگی برای بهائیان شيراز صادر شده آیا تنها اختیار قاضی عاملیت داشته است؟

این‌که قضات با میل خودشان مجازات تکمیلی صادر می‌کنند یا تحت نفوذ هستند را نباید تنها برای صدور مجازات‌های تکمیلی بررسی کرد. در پرونده‌های امنیتی در یک طرف قضیه نیروهای امنیتی قرار دارند. تجربه نشان داده که آنها همیشه خواهان نفوذ در چنین پرونده‌هایی هستند. متأسفانه قضاتی که برای دادگاه‌های انقلاب انتخاب می‌شوند اکثراً قضاتی نیستند که تنها از جنبه حقوقی به پرونده‌ها نگاه کنند و اغلب ارتباطات تنگاتنگی با نهادهای امنیتی دارند و حتی بعضی از این قضات دارای سوابق امنیتی نیز هستند و به طور کلی این ارتباط بین قضات و نهادهای امنیتی سبب می‌شود که به نوعی نیروی امنیتی در جایگاه مافوق قرار بگیرد. بنابراین به طور کلی قضات دادگاه‌های انقلاب به پرونده‌های امنیتی به طور مستقل و بر اساس موازین حقوقی رسیدگی نمی‌کنند؛ چرا که اگر بخواهند رسیدگی درست و قانونی در خصوص چنین پرونده‌هایی داشته باشند همان‌طور که پیشتر گفتم بسیاری از افراد حتی نباید دستگیر شوند.

۵. چه ایرادهای حقوقی به مجازات تکمیلی وارد است؟

کلیت مسأله ایرادی ندارد، بلکه نحوه اعمال آن دارای

مشکل است. چون هدف اصلی از مجازات‌های تکمیلی جلوگیری از انجام دوباره جرم توسط محکوم است پس باید زیرساخت‌های درستی در کشور در این رابطه از لحاظ قانونی وجود داشته باشند تا این مجازات‌ها به هدف اصلی خود برسند. این‌که مجازات‌ها در پرونده‌های امنیتی وقتی که تنها برای اذیت‌کردن فرد محکوم و ایجاد فشار مضاعف برای او به کار می‌رود پس از هدف اصلی خود دور شده است. ایرادهایی که برای مجازات‌های تکمیلی وجود دارد بیشتر در نحوه اجرای آن است وگرنه ماده ۲۳ قانون درست است.

۶. در برخی مواقع حکم به نوشتن از روی کتاب خاصی یا شرکت در نماز جمعه برای مجازات تکمیلی از سوی قاضی در نظر گرفته می‌شود. آیا چنین احکامی قانونی‌اند؟

گاهی اوقات قضات احکامی مانند نوشتن کتاب‌های مذهبی یا نوشتن از روی کتاب‌های مرتضی مطهری را برای مجازات تکمیلی در نظر می‌گیرند. حتی ۱۰ جلسه شرکت در نماز جمعه هم از موارد احکام تکمیلی بوده‌اند. دادن چنین احکامی از سوی قضات فراگیر شده است. حتی اگر در دادن چنین احکامی از جانب قضات حسن نیت هم وجود داشته باشد متأسفانه به نظر می‌رسد که مسأله را به درستی درک نکرده‌اند. این‌که شخصی را به زور وادار به رونویسی از کتابی کنند، نمی‌تواند جنبه اصلاحی داشته باشد. مسأله مهم دیگر این است که در ماده ۲۳ قانون مجازات اسلامی، مجازات‌های تکمیلی برشمرده شده‌اند. خارج از آن نیز نمی‌توان مجازاتی داد. در آن ماده قانونی هیچ بندی وجود ندارد که اشاره کند به رونویسی از کتاب یا شرکت در نماز جمعه. بنابراین صدور چنین احکامی نه تنها غیرقانونی است بلکه نتیجه‌ای هم در پی نخواهد داشت.

نقد دیگری هم که نسبت به این احکام وجود دارد این است که حکم حقوقی باید جنبه حقوقی داشته باشد و ما نمی‌توانیم یک کار ایدئولوژیک یا سیاسی را از محکوم بخواهیم. این کار به نوعی تغییر اجباری در عقیده شخص محکوم است.

مجازات تبعید؛ مکانیسمی برای

سرکوب مضاعف



جواد عباسی توللی

حقوق ما: مجازات تبعید تا چه میزان مبنای حقوقی دارد و قضات چه اندازه در این زمینه دارای اختیارات هستند؟

نیکبخت: در قانون مجازات اسلامی، مجازات تبعید به‌عنوان مجازات تکمیلی یا تکمیلی لحاظ شده است و طبق اصلاحاتی که در سال‌های اخیر در قوانین کیفری انجام شده، معمولاً مدت مجازات تبعید، بیش از دو سال نباید باشد. از طرف دیگر، یک مجازات در تبعید هم وجود دارد که به «حدود» مربوط می‌شود که برای اتهاماتی نظیر «افساد فی الارض»، «محرابه» و مانند آن در نظر گرفته می‌شود. حدود در قانون مجازات اسلامی، به مجازات‌هایی گفته می‌شود که حکم آن از قبل و از طرف خدا یا همان شارع مقدس تعیین شده و قاضی یا افراد دیگری نمی‌توانند آن را تغییر دهند. مانند مجازات شلاق در برابر اتهام «زنای غیر محصنه» یا مانند مجازات احسان یا همان سنگسار کردن بابت اتهام «زنای محصنه» یا درباره بریدن دست و پا به صورت چپ و راست بابت اتهام «محرابه» یا مجازات‌های مشابه که برای اتهاماتی نظیر «محرابه» و «بغی» در نظر گرفته می‌شود. طبق قانون مجازات اسلامی، این حدود از قبل تعیین شده و هیچ فردی نمی‌تواند در میزان یا نحوه اجرای آن تغییری ایجاد کند. مسئولان حکومتی در ایران، نظام اسلامی حاکم بر کشور را جانشین نظام حکومتی پیامبر اسلام یا نظامی که توسط امام اول شیعیان برپا شده بود، می‌دانند. به‌عنوان مثال، در زمان صدر اسلام، یک فرد مخالف مانند ابوذر غفاری را به ریزه تبعید شد. در حکومت اسلامی ایران اما بر این باورند که در حال حاضر، با توجه به امکان جابه‌جایی

در نظام کیفری ایران، مجازات تبعید، عمدتاً برای جرایم یا رفتارهای جرم‌انگاری شده‌ای که بنا به تشخیص قاضی، مخل امنیت و سلامت جامعه باشد یا جرایم نظیر آن، در نظر گرفته می‌شود.

در سال‌های اخیر، برخی از مخالفان سیاسی، از سوی دادگاه‌های انقلاب، به‌عنوان مجازات تکمیلی، به تبعید و اقامت اجباری در نقاطی غیر از محل سکونت خود محکوم شده‌اند.

این در حالی است که نگهداری شهروندان بازداشت شده یا زندانیان سیاسی در شهری غیر از محل سکونت‌شان، مصداق بارز نقض «اصل شخصی بودن جرایم و مجازات‌ها» است و منجر به اعمال فشار مضاعف به خانواده زندانیان می‌شود چرا که خانواده زندانیان را مجبور می‌کند برای دستیابی به حقوق خود نظیر انجام ملاقات‌های هفتگی یا پیگیری‌های قضایی، کیلومترها دورتر از محل زندگی خود در رفت و آمد باشند.

بر اساس استانداردهای قوانین کیفری در جهان، به غیر از کسانی که در وقوع یک جرم دخالت داشته‌اند، مجازات شخص یا اشخاص دیگری که ارتباطی با ارتکاب آن جرم نداشته، ممنوع شده است. این مسأله در حقوق جزا به‌عنوان «اصل شخصی بودن جرایم و مجازات‌ها» شناخته می‌شود.

مجله حقوق ما، برای بررسی حقوقی این نوع از مجازات‌ها با صالح نیکبخت، وکیل دادگستری و حقوق‌دان ساکن تهران گفت‌وگو کرده است.



و حرکت سریع از شهری به شهری دیگر، اغلب مجازات‌های تبعید را خارج از زندان نباید در نظر گرفت بلکه متهمان باید دوره تبعید خود را در داخل زندان بگذرانند.

در سال‌های گذشته، وکالت چند پرونده مرتبط با این موضوع را بر عهده داشته‌ام که در یکی از آنها قاضی دادگاه، متهم را از ارومیه به ملایر تبعید کرده بود. یا در پرونده دیگری، موکل از سنندج به فردوس تبعید شد.

حقوق ما: با توجه به توضیحاتی که دادید، سوالی که در اینجا مطرح می‌شود این است، زمانی که یک زندانی به زندان شهر دیگری تبعید می‌شود، خانواده این زندانی برای انجام ملاقات‌های هفتگی یا رسیدگی‌های دیگر، مجبور خواهند شد دست‌کم هر هفته، فاصله محل سکونت خود تا زندان تبعیدگاه را طی کنند. به نظر شما، آیا زندانی کردن یک متهم در تبعید، ناقض اصل شخصی بودن جرایم و مجازات‌ها نیست؟

نیکبخت: در قانون مجازات اسلامی و در قانون آئین دادرسی کیفری، توصیه شده که متهم، حکم حبس خود را در جایی که محل زندگی خانواده اوست، بگذرانند. حتی همین قوانین یادآور شده‌اند که اگر در محل زندگی خانواده متهم، زندان وجود ندارد، او به نزدیک‌ترین زندان به روستا یا شهر خود منتقل شود.

به عنوان مثال اگر یک متهم در تهران محکوم به حبس شده باشد اما محل زندگی او و خانواده‌اش در استان دیگری باشد، باید برای تحمل حبس به محل سکونت خود برود.

در حالی که زندانی کردن متهمان در تبعید، مشکلاتی را برای خانواده زندانیان ایجاد می‌کند اما با این وجود، طبق قوانین کیفری ایران، این مساله ناقض اصل شخصی بودن جرایم و مجازات‌ها نیست. از طرف دیگر، در چنین مواردی اگر خانواده یک زندانی از این مساله شکایت داشته باشند، مراجع قضایی به آنها اعلام می‌کنند که آن خانواده می‌تواند از طریق تلفن به فرد زندانی دسترسی داشته باشند یا اینکه وسایل مورد نیاز زندانی را به وسیله پُست، برای او ارسال کنند.

به نظر من، پیدا کردن راه‌کارهای اینچنینی در مراجع قضایی ایران، که به ضرر متهمان است، خیلی سریع اتفاق می‌افتد. این در حالی است که حتی قوانین موجود تأکید دارند که همواره اگر مجازات‌ها شدید است، باید به نفع متهم، تفسیر مضیق شوند و اگر خیلی شدید نباشند باز هم باید به نفع متهم، تفسیر موسع کرد. طبیعتاً بعد از تعیین مجازات، همین اصول باید در اجرای این مجازات‌ها رعایت شود.

حقوق ما: دستگاه قضایی ایران، بعضی از شهرها را به عنوان تبعیدگاه انتخاب کرده است. برای نمونه در استان بوشهر یا استان سیستان و بلوچستان چند شهر را به عنوان تبعیدگاه در نظر گرفته‌اند. به نظر شما ملاک انتخاب یک شهر به عنوان تبعیدگاه چیست؟

نیکبخت: در مواردی که متهمان جزو گروه‌هایی هستند که مرجع قضایی به دلایلی قصد دارند مجازات‌های سنگین‌تری در مورد آنها اجرا کنند، چنان‌که در مورد دراویش گنابادی این مجازات را اجرا کردند، متأسفانه آنها را به برخی از شهرهای کشور تبعید می‌کنند. مساله تبعید و تبعیدگاه در رژیم پهلوی هم وجود داشت. به عنوان مثال، حکومت شاه، آقای خمینی (اولین رهبر جمهوری اسلامی) را در سال ۱۳۴۳ به کشور ترکیه تبعید کرد و از آنجا با موافقت ساواک به شهر نجف در عراق فرستادند. تفاوت اجرای مجازات تبعید در حکومت فعلی با دوره قبل، این است که در زمان پهلوی، مخالفان را پیش از اینکه جرمی مرتکب شوند، به عنوان مجازات بازدارنده به جایی دیگر چه به شهرهای مختلف ایران یا به کشورهای دیگر تبعید می‌کردند.

در آن دوران، در مورد برخی از زندانیان، مشروط بر اینکه زندانی، فرد ناآرامی بود یا در زندان‌ها اخلاص ایجاد کرده بود، مجازات تبعید اعمال می‌شد. مهم این است که در رژیم گذشته چنین مواردی نادر بود اما در حکومت فعلی، صدور و اجرای مجازات تبعید تا حدودی به صورت قاعده درآمده است.

حقوق ما

ما از عدالت سهمی داریم

دو هفته نامه الکترونیکی تخصصی حقوق بشر
صاحب امتیاز و مدیر مسئول: سازمان حقوق بشر
ایران / محمود امیری مقدم
سردبیر این شماره: مریم غفوری
تماس با مجله: mail@iranhr.net